



هدف، مشکلات و موانع و ارائه راهکار و تحلیل خصوصی سازی در اقتصاد ایران

مهسا تیموری

دانشگاه الزهراء(س). teymouri.mahsa@gmail.com

چکیده:

از اواخر دهه ۱۹۷۰ خصوصی سازی به عنوان یک هدف غالب در سیاست های کلی دولت ها درآمده است و هر کشور بنابر شرایط خاص خود الگویی خاص را از خصوصی سازی دنبال نموده است درمورد خصوصی سازی و ابعاد آن در جهان و ایران تحقیقات زیادی صورت گرفته است که هر کدام از این تحقیقات جنبه های مختلفی از پدیده های خصوصی سازی را مورد بررسی قرار داده اند هدف تحقیق حاضر بررسی موانع و مشکلات خصوصی سازی در ایران و ارائه راهکارهای مناسب برای رفع آن موانع می باشد سوال اصلی تحقیق این است که موانع خصوصی سازی کدامند و اینکه چه راهکارهایی برای رفع این موانع باید ارائه گردند؟ در راستای پاسخ به سوالات فوق موانعی از قبیل موانع قانونی ساختاری نهادی و سیاسی بعنوان موانع خصوصی سازی مشخص گردیده اند و راه کارهایی جهت رفع این موانع و آماده سازی بسترهای خصوصی سازی در کشور شامل شفاف سازی درواگذاری ها، ایجاد امنیت سرمایه گذاری، وضع و اصلاح قوانین و مقررات، ایجاد محیط رقابتی تحقیق و توسعه تقویت بازار بورس ارزیابی و تجدید ساختار شرکت ها، ایجاد نهاد غیردولتی نظارتی مطرح شده و نظارت نهاد های قانونی شامل دولت و مجلس و نیز نظارت رسانه ها و نهادهای غیردولتی بر فرایند خصوصی سازی در نظر گرفته شده است.

کلید واژه ها: خصوصی سازی، نهاد غیردولتی، محیط رقابتی، اصلاح قوانین و مقررات

مقدمه:

خصوصی سازی به فرآیندی اطلاق می شود که طی آن مالکیت و مدیریت از بخش دولتی به بخش مردمی (خصوصی) منتقل شود. طی این فرآیند اندازه دولت یا حجم فعالیت های دولت در اقتصاد کاهش یافته و اندازه بخش خصوصی یا حجم فعالیت های بخش خصوصی افزایش می یابد. به طور کلی مهم ترین هدف خصوصی سازی در اکثر کشورها افزایش کارایی بنگاه ها و بهینه سازی تخصیص منابع بوده است. (یونس نادمی) نکته اساسی در افزایش کارایی از طریق خصوصی سازی این است که صرف انتقال مالکیت نمی تواند سطح کارایی را افزایش دهد، بلکه عنصر واگذاری مدیریت به بخش خصوصی در کنار فضای رقابتی نیز نقش بسزایی در این فرآیند دارد. به زبان ساده تر، منطق خصوصی سازی این

است که فعالیتی را که دولت با هزینه بالا، کیفیت و بازده پایین در فضای انحصاری انجام می دهد، بخش خصوصی با هزینه کمتر، کیفیت و بازده بالاتر در فضای رقابتی انجام دهد.

خصوصی سازی همچنین منجر به کاهش هزینه های دولت می شود و از طرف دیگر درآمدهای مالیاتی دولت را در صورت تحقق اهداف خصوصی سازی افزایش می دهد. بنابراین خصوصی سازی می تواند منجر به کاهش کسری بودجه دولت نیز شود و از این رو اثرات مخرب کسری بودجه بر اقتصاد کشور را نیز کاهش دهد.

نکته اساسی در فرآیند خصوصی سازی آن است که موفقیت خصوصی سازی وابسته به وجود نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کارآ در جهت تحقق اهداف خصوصی سازی است. به عنوان مثال تعریف شفاف از حقوق مالکیت از سوی مجلس، اجرای دقیق آن توسط دولت و تضمین حقوق مالکیت توسط قوه قضائیه از پیش شرط های اساسی در موفقیت خصوصی سازی محسوب می شود. به طور خلاصه برای آنکه خصوصی سازی هر چه بهتر صورت پذیرد، باید نسبت به تقویت حقوق مالکیت خصوصی، تغییر ساختار شرکت ها، آزادسازی و مقررات زدایی، اصلاح مقررات، اصلاح ساختار مالی (به ویژه بازار سرمایه) و بازار نیروی کار، تشویق و هدایت در جهت توسعه بخش خصوصی به منظور تحریک رقابت و ورود تولیدکنندگان به بازار، واگذاری موسسات عمومی

دولتی به بخش خصوصی (تغییر مالکیت) به طور همزمان اقدام کرد.

هدف خصوصی سازی:

خصوصی سازی ضمن اینکه می تواند بازدهی تولید را افزایش دهد، باعث گسترش مالکیت های فردی نیز می تواند باشد. خصوصی سازی در واقع می تواند به عنوان راه مقابله ای با انحصارطلبی و تمایل به استفاده از نتایج انحصار قانونی موسسات دولتی در بازار باشد که فرصت انتخاب را برای مصرف کننده محدود می سازد. از طریق خصوصی کردن صنایع دولتی، مشکلات بودجه ای دولت کاهش می یابد و دولت از طریق فروش صنایع خود صاحب منابع عظیم مالی می شود. این امر به وابستگی کمتر سرمایه گذاری های مختلف به دولت منجر می شود و امکان تعدیل پراکندگی درآمد ملی را فراهم و احیاناً موجبات رفاه مردم را مهیا می سازد. به طور کلی می توانیم هدف های خصوصی سازی را به سه دسته عمده تقسیم کنیم: